

روشنفکر

هر چند روشنفکر در لغت به معنی روشن رآی، روشن ضمیر، روشن روان و... اما در پنجاه سال اخیر این مفهوم در اصطلاح رایج باریشه لغوی خود فاصله زیاد گرفته است. روشنفکر (Intellectual) — معادل واژه (enlightenment) می‌باشد که از آن تحت عنوان روشنگری یاد می‌شود.

ثمر، پژمرده و... به بار آورد. به تعبیر آل احمد روشنفکران وابسته ادای غربی‌ها را در می‌آورند، لباس، کلاه و کفش فرنگی می‌پوشند، ریش می‌تراشند و کراوات می‌زنند و لفظ فرنگی به کار می‌برند، در هر فرصتی از فرنگ منال می‌زنند، سهل انگار نسبت به دین‌اند و تظاهر به بی دینی، به مسجد و معبد نمی‌دانند، اگر هم به یک می‌روند، برای ارگی است که در آن می‌نوازند.



را از تسلط مذهب و کلیسا خارج کند. لائیسته یا لائسیسم به معنای اندیشه‌ای است که خواه جدا کردن دین از دوست و نیز جدا کردن دینی از عرصه حیات اجتماعی و سیاسی است. لائسیم فردی است که به اندیشه لائسیسم معتقد است.

اندیشه لائسیسم در حدود سصد سال است که در اروپا پدید آمد. و به عنوان یکی از میانی رژیم‌های همراه غربی اعم از لیبرال سرمایه داری سوسیالیستی و مارکسیستی در آمده است. اندیشه جدایی دین از دولت و جلوگیری از حضور اجتماعی دین و تبدیل آن به امری شخصی و غیر اجتماعی و غیر سیاسی با شروع عصر جدید و سرچشمه در غرب پدید آمد بسط و تداوم یافت لائسیسم جوهر مشترک همه رژیم‌های مدل غربی و غرب زده است.

لائسیسم در تقابل داعی با اندیشه اسلامی قرار داده؛ زیرا در تفکر اسلامی به گونه‌ای مبنایی و اساسی دین و حکومت در پیوند کامل، تام و تمام با هم قرار دارند و نمی‌توان با کشیدن خطر مرزهای فرضی حضور سیاسی، و اجتماعی دین را منع و یا محدود کرده است.

اپوزیسیون

در کشورهای چند حزبی اپوزیسیون به احزابی اطلاق می‌شود که خارج از حاکمیت و قدرت سیاسی بوده و در چار چوب قانون با دولت حاکم مخالفت می‌کنند تا از طریق نظارت مستقیم بر دولت و روشن سازی افکار عمومی، امکان حضور در قدرت را پیدا کند به این گونه احزاب که قانون اساسی کشور را قبول داشته و در چار چوب قوانین و خارج از حاکمیت با دولت مخالفت می‌کنند اپوزیسیون قانونی می‌گویند. اما گروه‌ها و کسانی که به قدرت برسند به این افراد و گروه‌ها دیگر اپوزیسیون اطلاق نمی‌شود.

«اپوزیسیون در قدرت» شکل جدیدی از اپوزیسیون است که چند صباحی است که میان احزاب سیاسی به چشم می‌خورد. اگر گروهی که در جایگاه اپوزیسیون دولت و خارج از قدرت قرار گرفته بتواند با استفاده از ساز و کارهای قانونی به قدرت برسد، ولی در عین حال همچنان اصرار داشته باشد که نقش اپوزیسیون را بازی کنند اپوزیسیون در قدرت نام دارد در واقع، اپوزیسیون در قدرت کسانی هستند که خود حاکم‌اند و قدرت را در دست گرفته‌اند اما همچنان مخالف خوانی کرده و بر خیل مخالفت می‌گویند.

بی‌نوشت:

۱. ر. ک. به، معرفت ۲۰، مفران دین‌ها، محمد فولادی
۲. جلال آل احمد، در خدمت ضیافت روشنفکران، تهران خوارزمی، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۱۳.
۳. آزاد ارمکی و بهار محمدی، بررسی مسایل اجتماعی تهران، سال ۱۳۷۷، ص ۷۶.
۴. محمد حسین فرجاد، مشکلات و اختلافات رفتاری روانی در خانواده، تهران، نشر بدر، سال ۱۳۷۴، ص ۱۵۶.
۵. آزاد ارمکی، همان، ص ۷۶.

دارای مدرک معتبر از فرنگ یا... هستند. اینان انسان هایی لایبالی لاقید، لهل افکار، بی‌درد، لامذهب، وابسته و... هستند. که مستحق مذمت اند و از روشنفکر نه تنها اسم آن را به ارث برده‌اند و بویی از روشنگری نبرده‌اند.^(۲)

در عین حال هستند روشنفکران که درد دین دارند از روی باور تفصیلی و اجتهاد دین را یافته‌اند، عاشق علم، قلم‌فکراند عمیقاً مسایل را تجزیه و تحلیل می‌کنند، جلوتر از زمان حرکت می‌کنند، در هر علمی که وارد می‌شوند سر آمد روزگارند، اگر عالم دین اند در فهم مسایل دینی همراه با سازمان پیش می‌روند، عالمان غیر دینی نیز مسائل روز را خوب می‌فهمند و تجزیه و تحلیل می‌کنند. در این اصطلاح، بسیاری از روحانیون از جمله امام خمینی ره شهید مطهری، شهید بهشتی جز روشنفکران مذهبی‌اند.

بنابراین در اصطلاح دو گروه روشنفکر وجود دارد؛ روشنفکران حقیقی و روشن اندیشان واقعی و روشنفکران غیر واقعی و بدلی. گروه دوم خود صنفی مستقل در جامعه‌اند. اما گروه اول بر قشر خاصی اطلاق نمی‌شود بلکه هر کسی که دارای این ویژگی‌ها و اوصاف باشد، روشنفکر است.

لائسیسم ولایتیک

در فرهنگ واژه‌شناسی سیاسی، غالباً لائسیسم و لایتیک برگرفته از ریشه لاتینی (Laicus) به معنی متعلق به خلق در مقابل متعلق به حق خداست، نیز به معنی کسی که جزو سلسله مراتب روحانی (کلیسایی) نبوده، و مأموریتی از سوی دستگاه مذهبی ندارد، آمده است. لائسیسم در عصر جدید به ویژه در دویست سال اخیر به معنی آیینی است که می‌خواهد بنیادها و تأسیسات اجتماعی

در واقع روشنفکر کسی است که با روشنایی‌ها اتصال دارد، واقعیت‌ها را درک می‌کند و فردی واقع بین است یعنی تاریک بین نیست بلکه نور دارد و تاریکی‌ها و جهالت‌ها را می‌زداید. روشنفکر منحصر به فرد یا گروهی خاص نیست کسانی که در جامعه ضمیری روشن دارند، واقع بین‌اند، مصالح و مفاسد را می‌شناسند، قضایا و وقایع و حوادث روزگار را خوب و درست تحلیل می‌کنند، و رخدادهای آینده را نیز با توجه به تحلیل‌های درست پیش بینی می‌کنند. حوزویان، دانشگاهیان فرنگ، رفته‌ها و فرنگ نرفته‌ها می‌توانند روشنفکر باشند.

در اصطلاح رایج تعریف روشنگری اندکی تغییر کرده است. روشنفکران کسانی هستند که دارای تحصیلات جدیداند و ترجیحاً بلکه حتماً به فرنگ رفته‌اند کسانی که کار اصلی شان کار فکری است. خوب فکر می‌کنند و بهتر و بیش از دیگران می‌فهمند. اما دین و مذهب را کهنه می‌پندارند. بیش‌تر به نظریات علمی دل خوش کرده و به آن متکی‌اند و ملاک بحث‌های آقایان هم همین نظریات است و معتقدند که دوران دین به سر آمده و بدون خدا هم می‌توان زیست و به علیه خدا هم می‌توان تظاهرات کرد.^(۱)

بنابراین به نظر می‌رسد، هر چند روشنگری اجتهاد کالایی غربی بود و در زمین شوره زار مغرب زمین رشد و نمو کرد و مانند بسیاری از کالاهای دیگر دارای رنگ و لعاب خاص خود می‌باشد، اما این کالا را می‌توان در زمین حاصل خیز دیگری غرس نمود و از آن محافظت و مراقبت نمود و از آن آفت زدایی نمود و وقتی پر ثمر به بار آورد نیز معتقدند که همان کالای غربی را می‌توان در دیار خویش و یا دیار خود در زمین شوره زاری غرس نمود و بسان همان درختی بی